



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۳/۰۲/۲۸

یونس نگاه

مهاجرانی که پاره‌های وطن‌اند

همه آنانی که کشور را ترک می‌کنند، به آرزوهای خود نمی‌رسند و مهاجرت به‌خاطر فرار از استبداد طالبانی و عذاب گرسنه‌گی گاهی کم‌خطرتر از ماندن در افغانستان نیست. در یک‌ونیم سال گذشته روزانه صدها و در مواردی هزاران هموطن به کشورهای همسایه و دورترها کوچیده‌اند و خیلی از آنان در نیمه‌راه‌ها گرفتار مانده، تعدادی به‌مسیرهایی افتاده‌اند که هیچ نمی‌خواسته‌اند و کسانی نیز مفقود شده یا اجسادشان به وطن برگردانده شده است.

به تازه‌گی کشتی پر از مهاجر در سواحل ایتالیا غرق شد و ده‌ها تن کشته و مفقود شدند. آن‌گونه که انتظار می‌رفت بخشی از قربانیان وطنداران ما بودند. گفته می‌شود در ده سال اخیر، تنها در دریای مدیترانه مرگ و مفقودی ۲۰ هزار تن مهاجر ثبت شده است و بی‌گمان تعداد افغان‌ها در آن میان، ده‌ها و صدها نه؛ بلکه هزاران تن بوده است. تلفات مهاجران ما در فاصله بین وطن تا دریای مدیترانه، بسیار بیشتر است. هر ساله تعداد زیادی از آنانی که به امید رسیدن به کشورهای غربی خانه‌های شان را ترک می‌کنند، در دشت‌ها، کوه‌ها و مرزهای پاکستان، ایران و ترکیه کشته و مفقود می‌شوند.

رقم آنانی که با طیاره و از طریق روندهای رسمی به کشورهای دیگر کوچیده‌اند، در برابر این گروه از هموطنان که با هزار سختی و از طریق راه‌های قاچاقی سفر می‌کنند، بسیار ناچیز است. اکثریت مهاجرانی که به مقصد رسیده و در گوشه‌های دیگر زمین کلبه ساخته و کار یافته‌اند، از راه‌های پرخطر قاچاق و با تحمل رنج‌های بسیار گذشته‌اند. رسیده‌ها نیز آن‌طوری که از دور می‌نمایند، وطن بدل کرده و به‌عاقبت نرسیده‌اند. مهاجران عناصر زیادی از نیک و بد وطن را با خود می‌برند. افتخارات، عقب‌مانده‌گی‌ها، ننگ‌ها و نام‌های مشترک وطنی با مهاجران می‌مانند و آنان سال‌ها مجبورند برای خود و دیگران به‌چیزهایی پاسخ بگویند، از چیزهایی دفاع کنند و از شرم‌هایی عرق بریزند. وطن با رفتن رها نمی‌شود و حتا اگر میل بریدن یک‌باره در کسی بوجود آید نیز تا سال‌ها در رفتار، زبان، باورها و چهره‌ی مهاجر باقی می‌ماند و محیط میزبان دایم خانه اصلی و ریشه‌های فرهنگی‌اش را گوش‌زد می‌کند. سختی از سرگیری زنده‌گی در محیط‌های تازه با محدودیت‌های بسیارش مهاجرت را برای آنانی که از جنگ و گرسنه‌گی با دست‌های خالی می‌گریزند، بسیار پرچالش می‌کند.

این‌روزها به دلیل وضعیت فاجعه‌بار وطن، ترک کشور چون گریز از زندان، با تمام خطرات، ابهام و سرگردانی‌هایش نجات تلقی می‌شود و از همین‌رو رنج‌های مهاجران انعکاس چندان نمی‌یابد و آنان گروه‌گروه و دوامدار، بی‌آنکه سرخط خبرها شوند و حس هم‌مرددی جمعی ما را برانگیزند، قربانی می‌شوند. گویا تعریف سخت و خاکی که از وطن و وطنداری خلق شده، اذهان را دچار خطا می‌کند و ما کمتر می‌توانیم به وطنی فراتر از آن جغرافیا و توت‌هایی که در سراسر جهان پراکنده شده، فکر کنیم.

با افزایش نفوس مهاجران و ادامه موج ترک وطن، لازم است که مسایل مهاجرت، حقوق مهاجران و رنج‌های هموطنان خارج از کشور نیز در آجنداهای سیاسی، مدنی و رسانه‌ای شامل و برجسته شوند. زندان‌های کشورهای منطقه پر از هموطنان مایند، کمپ‌ها و شهرهای پاکستان و ایران پر از گرسنه‌گان و بی‌خانمان‌های گریخته از وطن‌اند که بیشترشان نه جای ماندن دارند و نه راه برگشتن. بحران‌های سیاسی و اقتصادی جاری در ایران و پاکستان محیط را برای مهاجران به مراتب بیشتر از گذشته تنگ کرده است. آنان زنده‌گی برزخ‌وار دارند و میان امید بهبود وضعیت وطن یا مهاجرت در کشورهای غربی از یک‌سو و ادامه زنده‌گی در تنگ‌دستی و بی‌سروشستی عذاب می‌کشند. چهره آنان و مسایل‌شان باید در آیین‌ها سیاست و رسانه دیده شوند.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی